

«فداکاران»

آموختنی‌ها

۱ آشنایی با مفهوم فداکاری

۲ تشخیص فعل زمان گذشته و به کارگیری آن

۳ شناخت کلمه مرکب «...+کش» و توانایی ساختن آن

۴ انتخاب موضوع در بندنویسی



جعبه کلمات

کلمات هم‌معنی

جلوگیری: پیشگیری	ریزش: فرو ریختن	اشغال: جایی را به زور گرفتن
پیشروی: ...	مرگ حتمی: مرگ قطعی	افتخار آفرین: ...
غروب: پایان روز	شریف: بزرگوار	دلیرانه: شجاعانه
فانوس: ...	فداکار: از خود گذشته	هم‌نوعان: ...
هویزه: نام یکی از شهرهای خوزستان	واقعه: رویداد	جاودانه: ...
	سرمشق: الگو	نارنجک: ...
	طفل: ...	اشتیاق: ...

کلمات مخالف

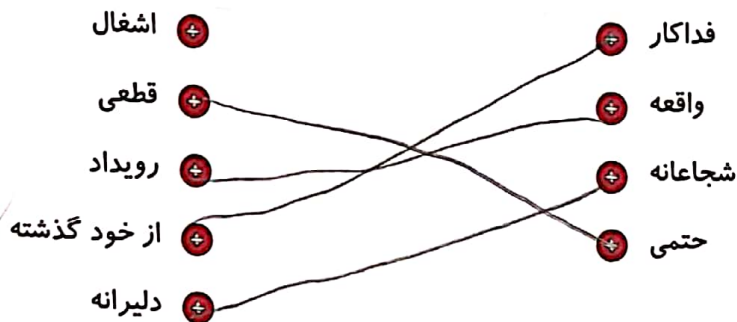
گرفتار ≠ آزاد	دلیر ≠ ترسو	غروب ≠ طلوع	بزرگ ≠ کوچک
سریع ≠ آهسته	بسته ≠ باز	فداکار ≠ ...	فداکار ≠ ...
موفقیت ≠ ...	بخاری ≠ ...	زندگی ≠ ...	باهوش ≠ ...
	نجات ≠ ...	آغاز ≠ ...	سرانجام ≠ ...

کلمات هم‌خانواده

اشغال، مشغول، شغل	موفقیت، موفق، توفیق	شریف، شرافت، مشرف	اشتیاق، مشتاق، شوق
افتخار، مفتخر، فخر	واقعه، واقعیت، واقع	تحمیلی، حمله، حملات	شهادت، شهید، شاهد

تمرین

۱ هر کلمه را به هم معنی خودش وصل کن.



۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: حسن امینزاده پیراهن خود را آتش زد و جان مسافران قطار را نجات داد.

ب: شهید محمدحسین فهمیده، از نظر امام خمینی (ره) رهبر ما است.

پ: فداکاری، یعنی جان خود را برای هر کاری به خطر بیندازیم.

ت: ریز علی خواجهی یکی از انسان‌های فداکار است.

۳ با توجه به متن درس «فداکاران»، جاهای خالی را پر کن. می‌توانی از کلمات داخل کادر استفاده کنی. (دو کلمه اضافه است).

طفل - نارنجک - اشغالگران - فداکاری - هم‌نوعان

الف: انسان‌های بزرگ و فداکار برای نجات جان دیگران با کمک به هم‌نوعان جان خود را به خطر می‌اندازند.

ب: رگبار گلوله آب‌انبار سهام را به آغوش خدا رساند.

پ: رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت.

۴ جمله‌ها را بخوان و زیر گزینه‌ی مناسب خط بکش.

الف: دشمن، سهام خیار را با رگبار گلوله به شهادت (رساند) می‌رساند - خواهد رسید.

ب: نام و یاد انسان‌های فداکار همیشه در ذهن‌ها جاودان (شده بود) می‌شد - شده است.

پ: محمدحسین فهمیده نارنجک به کمر (می‌بست) - خواهد بست - بست. و زیر تانک‌های دشمن جان خود را فدا (می‌کند) - کرد - خواهد کرد.

۵ از بند دوم و سوم درس، کلماتی که نشانه‌ی (ح) دارند را پیدا کن و بنویس و حرف‌های آن‌ها را جدا جدا بنویس.



۶ شعر را کامل کن.

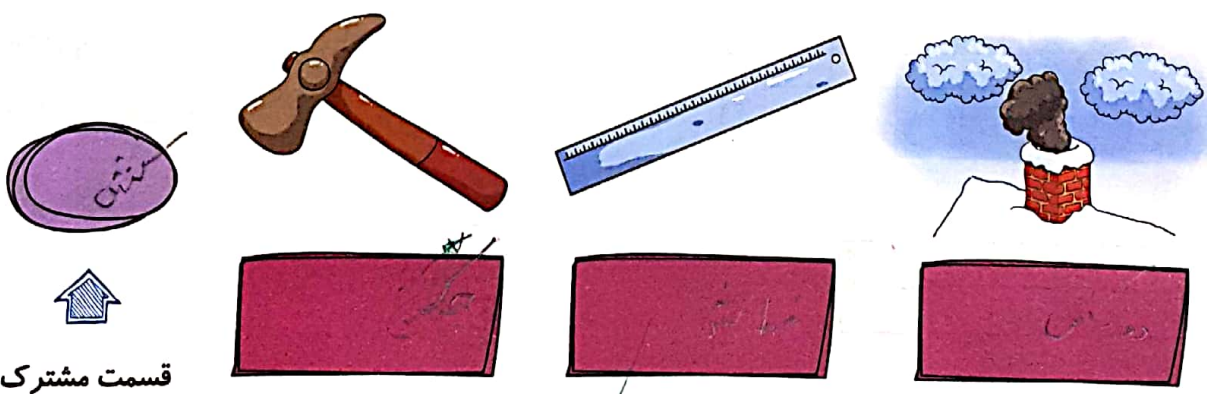
پنجره‌های غبار آلود را
 از صدای شرشر آوازان
 کاش می‌شد کینه‌ای در ما نبود
 مهربان و تازه و بی ادعا
 بوی بهار می‌دادیم بوی شبنم زرد
 تا گردان هوا کجا بگریه
 با تشنگی و یک جگر خندان می‌سوییم
 کاش می‌شد خنجر خنجر با زبان می‌نویسیم

۷ با حروف به هم ریخته کلمه بساز و با هر کدام یک جمله مربوط به زمان گذشته بنویس.

ت ح ر ی ش د ه ا ت س و ن ا ف

خانرسی در شب من در خواب بودم و خانوس تر اینی دیدم
 شادت سهام خیارم در سال ۱۳۱۱ به شادت رسیدم
 توکسی من در روز بهار تو کسار کردم

۸ نام تصویرهای زیر را بنویس و بگو چه قسمتی در همه‌ی کلماتی که نوشتی مشترک است؟



قسمت مشترک

فداکاران ▶ درس ششم



جمله‌های ناتمام زیر را تمام کن.

الف: اگر به جای حسین فهمیده بودم:
ب: اگر به جای ریزعلی خواجه بودم:
.....

جواب سؤالات را با استفاده از کلمات متن درس پیدا کن و سپس با چسباندن حروف دوم آن‌ها به هم، رمز جدول را

پیدا کن.

		ت	ا	ز	ک	۱
		ز	ن	ا	ن	۲
		م	س	ا	ن	۳
		پ	ا	ه	ن	۴
		ا	ن	س	ا	۵
		س	ا	م	ن	۶
		ن	ا	م	ن	۷
		ا	ی	ر	ا	۸
		خ	ا	ن	ن	۹
		ا	ن	ن	ا	۱۰
		ن	ا	ن	ن	۱۱
		د	خ	ن	ر	۱۲
		ا	ر	ن	ن	۱۳
		س	ر	د	ن	۱۴
		ح	ا	د	ن	۱۵
		ن	ا	ن	ن	۱۶
		ن	ر	ی	ن	۱۷
		ا	ی	ن	ن	۱۸
		ا	ن	ن	ن	۱۹

۱) ماشین جنگی

۲) مخالف مردان

۳) جمع مسأله

۴) کسی که زود یاد می‌گیرد.

۵) حیوان نیست.

۶) دختری فداکار از شهر هویزه

۷) اسم

۸) نام کشور ما

۹) در آن دانه می‌کاریم.

۱۰) سربلندی

۱۱) همه چیز را می‌سوزاند.

۱۲) پسر نیست

۱۳) من و تو

۱۴) مخالف گرم

۱۵) اتفاق

۱۶) با آن آتش روشن می‌کنیم.

۱۷) بزرگوار

۱۸) بین

۱۹) اشاره به دور

رمز جدول:

اسامی افراد نامی

Blank writing area with horizontal lines for the student to write a paragraph about the topic of 'Sacrifice'.

۱۲ با توجه به سؤالات داده شده پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: کدام کلمه مانند بقیه نیست؟

- (۱) نفت کش (۲) یدک کش

ب: املاي کدام کلمه صحیح نیست؟

- (۱) اشغال (۲) متوجه

پ: کدام گزینه در گذشته انجام شده است؟

- (۱) مادرم به زیارت خانهی خدا می‌رود.

- (۳) من در حال انجام تکالیف هستم.

ت: اشغال یعنی:

- (۱) نگهداری و محافظت

ث: کدام مورد هم خانوادهی افتخار نیست؟

- (۱) مفتخر (۲) فخر

(۴) سرکش ✓

(۳) هواکش

(۴) تهمیلی ✓

(۳) طفل

(۲) محمدحسین فهمیده نوجوان فداکاری بود ✓

(۴) ما هر روز در مدرسه درس می‌خوانیم.

(۴) پیشگیری

(۳) به جلو رفتن

(۲) جایی را به زور گرفتن ✓

(۴) افتخاری

(۳) خرافات ✓



چند نفر از پلی عبور می کردند که ناگهان دو نفر به داخل رودخانه‌ی خروشان افتادند. همه در کنار رودخانه جمع شدند تا بتوانند به آن‌ها کمک برسانند ولی وقتی دیدند شدت آب آن قدر زیاد است که نمی‌توان برایشان کاری کرد، به آن دو گفتند که امکان نجاتتان وجود ندارد و شما به زودی خواهید مرد.

در ابتدا آن دو مرد این حرف‌ها را نادیده گرفتند و کوشیدند که از آب بیرون بیایند اما همه دانستند که آن‌ها نمی‌توانند که تلاشتان بی‌فایده است و شما خواهید مرد.

پس از مدتی یکی از دو نفر دست از تلاش برداشت و جریان آب او را با خود برد. اما شخص دیگر همچنان با حداکثر توانش برای بیرون آمدن از آب تلاش می‌کرد.

کسانی که بیرون بودند همچنان فریاد می‌زدند که تلاشت بی‌فایده است اما او با توان بیشتری تلاش می‌کرد و تا این که از رودخانه خروشان خارج شد. وقتی که از آب بیرون آمد، معلوم شد که مرد ناشنوا است. در واقع او تمام این مدت فکر می‌کرده که دیگران او را تشویق می‌کنند.

الف: چرا مرد دوم دست از تلاش برداشت؟

زیرا ناشنوا بود.

ب: مردمی که کنار رودخانه ایستاده بودند چه می‌گفتند؟

می‌گفتند: «تلاشت بی‌فایده است.»

پ: چه اتفاقی برای مرد اول افتاد؟

آب رودخانه آن را با خود برد.

ت: چرا مرد دوم موفق شد؟

برای این که تلاشت زیاد می‌کرد و فکر می‌کرد که دارند او را تشویق می‌کنند.

